اتاق فرماندهی عملیات در عملیات بیت‌المقدس. محسن رضایی و علی صیاد شیرازی در تصویر حضور دارند. اگر شهر آزاد نمی‌شد، پیروزی‌های این عملیات به چشم نمی‌آمد.

شیرازی طرح را با فرماندهان درمیان گذاشت آن‌ها تعجب و اعتراض کردند. می‌گفتند نمی‌شود که هر لحظه با طرحی جدید نیروها را به منطقه‌ای کشاند. صیاد برآشفته شد، اما بعد از چند ساعت بحث، ایرانی‌ها به نتیجه رسیدند طرح را اجرا کنند. اگر چه عراقی‌ها نیروی بیشتری داشتند، اما روحیه‌ی ایرانی‌ها قوی‌تر بود. از کاخ ریاست‌جمهوری مدام به ارتش عراق فرمان می‌رسید که محاصره‌ی خرمشهر باید شکسته شود و هر کس فرار یا سرپیچی کند اعدام می‌شود. هنوز بیش از ده هزار نظامی عراقی در خرمشهر بودند. سرانجام روز اول خرداد ایرانی‌ها به خط دفاعی عراق در نهر خین حمله و در پایان روز دوم خرداد خرمشهر را محاصره کردند. ارتش عراق غافلگیر شد و از شلمچه به خین پاتک کرد که نیروهای ایران مقاومت کردند. صبح سوم خرداد ایرانی‌ها نیروهای محدودی در دروازه‌های خرمشهر داشتند و صیاد شیرازی مردد بود که به هفتصد نیرو دستور بدهد به شهری که در آن پانزده‌هزار سرباز عراقی هست حمله کنند یا نه. اما آن پانزده‌هزار نیرو راه را نشان دادند. ناگهان صف بستند تا اسیر شوند؛ خب نیروهای ایرانی هم راه دیگری نداشتند؛ برای اسیر کردن آن‌ها باید وارد شهر می‌شدند. در نتیجه ظهر سوم خرداد همه‌ی مردم ایران خبر آزادی خرمشهر را شنیدند و خوشحال شدند. ایران غرق در جشن و شادی شد؛ رزمندگان هم.

چهارم و پنجم خرداد عراقی‌ها تلاش کردند مقاومت نیروهای ایران را در خین بشکنند و به خرمشهر برسند که مسلم بود تلاشی بیهوده است.

پیروزی ایرانی‌ها بزرگ و باشکوه بود و صحنه‌ی صف طولانی اسرا از نظامیان صدام از صحنه‌های ماندگار تاریخ ایران شد. احمد غلامپور می‌گوید: «موقع فتح خرمشهر من در هلی‌کوپتر در آسمان بودم؛ حدود پنج، شش کیلومتری خرمشهر. از آن بالا زیباترین صحنه صف و ستون اسرای عراقی‌ها بود که از شهر و سنگرهایشان بیرون آمده بودند و رو به سوی ایران اسلامی می‌رفتند. تقریباً کل فتح خرمشهر را من از آن بالا نگاه می‌کردم. آن احساس و حالت هیچ‌وقت از یادم نمی‌رود و زبان عاجز از توصیف زیبایی آن صحنه‌هاست. ای کاش می‌شد آن صحنه‌ها را به تصویر کشید.»

ایرانی‌ها خرمشهر را گرفته بودند و حالا که فرماندهان از نزدیک استحکاماتی را که حزب بعث برای نگه‌داشتن خرمشهر تدارک دیده بود را می‌دیدند، شگفتی‌شان بیشتر می‌شد. حسن باقری، از فرماندهان ارشد عملیات: «عراق در اجرای طرح‌های ایذایی برای حفظ و نگه‌داری خطوط دفاعی خود، دست هیتلر و موسولینی را از پشت بسته بود، از جمله‌ی این خطوط دفاعی نهر عبید و سابله و مین‌های شمال غربی بستان و یا طرح دفاعی خرمشهر را می‌توان نام برد. آن‌ها با استفاده از موانع طبیعیِ زمین برای تشکیل خطوط دفاعی مستقیم، طرحی را تهیه کرده بودند که نخست کالك آن را دیدیم و سپس آن را روی زمین، در جنوب رودخانه‌ی کرخه‌نور، به طول بیش از سی کیلومتر مشاهده کردم.

نخست میدان مین که بنا به موقعیت عمق‌های مختلفی دارد. سپس دو ردیف سیم خاردار لوله‌ای که یك ردیف هم روی آن می‌اندازند و از هر طرف دو ردیف به حساب می‌آید و عرض آن حدود سه متر و ارتفاع آن نیز همین حدود است. پس از آن، سیم خاردار خطی که نمی‌تواند چندان عامل مقاومت باشد. پس از آن، خندق که عرض آن بنا به موقعیت دو تا سه متر و عمقش دو متر است و در صورت امکان، کف آن را یا آب می‌اندازند و یا مین می‌کارند یا سیم خاردار می‌کشند یا سیم‌خاردار و مین هر دو وجود دارد. سپس، کانالی که سنگر افراد در آن، به صورت انشعابی و زیگزاگ احداث شده است؛ پس از هر سه سنگر نفری، یك تیربار مستقر است. البته، در صورت امکان سنگرهای نفری سقف‌های نیم‌دایره‌ای دارد و پشت این خط سنگرهای تجمعی است و پس از این خط، تازه سنگرها و سکوهای تانك می‌باشد.»

خارج از مرز

عراق در نبرد بیت‌المقدس از ایران شکست خورد و خرمشهر بار دیگر در اختیار سربازان ایرانی قرار گرفت. شکست عراق در حالی رخ داد که تمام تحلیل‌گران به برتری نظامی عراق نسبت به ایران معترف بودند. دهم خرداد ۱۳۶۱ روزنامه‌ی لس‌آنجلس تایمز این برتری‌ها را برشمرده بود: «در زمین، عراق به طور کاملا مشخصی دست بالا را داشت، چهار لشکر زرهی در برابر سه لشکر؛ ۲۸۰۰ تانک در برابر کمتر از ۲۰۰۰ تانک و ۲۰۰ هزار سرباز در مقابل ۲۵۰ هزار نیرو در ارتش ایرانی‌ها.» در مورد نیروهای هوایی برتری از آن ایران بود اما «دیدگاه کلی این است که نیروی هوایی [ارتش] ایران، با رهبری دینی مخالف است.» اما در مجموع، ارتش عراق بسیار قوی‌تر از ارتش ایران می‌نمود. گزارشگر پرسیده بود پس چه عاملی باعث شکست عراق در خرمشهر شد؟ او پاسخ داده بود که «تانک و هواپیما» نتیجه را مشخص نمی‌کنند و پاسخ در جایی خارج از این محاسبات است. «نیروهای عراقی -ارتش سربازان وظیفه با کمترین علاقه به رژیم دیکتاتوری بسته- جرأت جنگیدن با ایرانی‌هایی را که پر از روحیه‌ی دینی غیرتمندانه و دفاع از سرزمینشان در برابر حمله بودند، نداشتند.» و گفته بود که در این معادله «انسان، ماشین را شکست داده است.»

مجروح ایرانی در بیمارستانی در تهران. تیتر روزنامه نشان می‌دهد که هنوز شهر آزاد نشده و ایرانی‌ها همه منتظر بودند.

منابع پرده‌ی نهم

- 1982, May 19; **CIA Records**
- 1982, April 13; Calgary Herald
- 1982, May 18; CIA Records, Possible Outcomes And Implications Of The Iran-Iraq War
- 1982, May 12; The Los Angeles Times
- 1982, May 31; The Indianapolis Star
- 1983, June 8; CIA Records
- **قلب مقاومت**، جعفر شیرعلی‌نیا، سعید زاهدی، فاتحان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- **تحلیل عملیات بیت‌المقدس**، نصرت‌الله معین‌وزیری، دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- **درس‌هایی از جنگ مدرن**، آنتونی کردزمن، حسین یکتا، مرز و بوم، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- **بازخوانی جنگ تحمیلی**، امیرعبدالحسین مفید، ایران سبز، چاپ اول، ۱۳۹۸.
- **همپای صاعقه**، گلعلی بابایی، حسین بهزاد، سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- **تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق**، حسین علایی، مرز و بوم، چاپ اول، ۱۳۹۵.